



فصلنامه مدیریت عملیات

سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۴۰۱

شناسایی عوامل موثر بر اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتها مبتنی بر اجرای عملیات طرح جامع مالیاتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸

نبی نجفی *

علی اصغر متقی **

احمد محمدی ***



[10.30495/JOM.2023.1988223.1089](https://doi.org/10.30495/JOM.2023.1988223.1089)

چکیده:

سازمان امور مالیاتی کشور در سالهای اخیر از رویکرد اعتماد بر مودیان مالیاتی و اصل صحت اطلاعات ابرازی مودیان پیروی نموده است و سامانه‌ها و بخشنامه‌های خود را در این راستا بازنگری و تدوین کرده است. بدین ترتیب، هدف از انجام این پژوهش شناسایی عوامل موثر بر اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتها در پرتو تئوری‌های اعتماد و عمل منطقی می‌باشد. در راستای تحقق اهداف پژوهش، با بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش و انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان در سالهای ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، عوامل موثر بر اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتها با استفاده از روش تحلیل تم استخراج گردید. عوامل اصلی موثر بر اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتها، عبارت است از: عوامل مالی و حسابداری، عوامل حسابرسی، عوامل محیطی، عوامل فنی و سیستمی و عوامل خاص شرکت که در قالب ۱۸ تم فرعی و ۹۳ مفهوم شناسایی گردید و سازمان امور مالیاتی می‌تواند برای ارزیابی اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتها، به نحو مناسب این عوامل را مورد توجه قرار دهد. عوامل شناسایی شده در این پژوهش می‌تواند در تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی و ریسک اعتباری شرکتها مفید واقع شود و پیش از اجرای فرآیند حسابرسی مالیاتی، مبنایی معتبر برای انتخاب مؤدی جهت حسابرسی مالیاتی را فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: درآمد مشمول مالیات ابرازی، تئوری اعتماد، تئوری عمل منطقی، حسابرسی مالیاتی، طرح جامع مالیاتی.

* دانشجوی مقطع دکتری تخصصی گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران najafi548@yahoo.com
** نویسنده مسئول، استادیار گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران aliasghar.mottaghi@yahoo.com
*** استادیار گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران ahmad.mohammady@iaut.ac.ir

۱- مقدمه

مالیات از منابع بسیار مهم درآمدی دولت می‌باشد از این رو در نیل به اهداف اقتصادی مانند عدالت اجتماعی، تخصیص منابع، ثبات اقتصادی و توزیع مجدد درآمد نقش مهمی ایفاء می‌نماید (نبوی چاشمی و برزگر تهمتن، ۱۳۹۷). درآمدهای مالیاتی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت‌ها است و یکی از دلایلی که باعث می‌شود درآمد مالیاتی تحقق یافته از مقدار مورد انتظار آن کمتر باشد، فرار مالیاتی است. فرار مالیاتی به صورت رفتار یا فعالیت‌های غیرقانونی و عمدی برای نقض مستقیم قانون مالیات به صورت فرار از پرداخت مالیات و ارائه گزارش‌های مالیاتی غیرصادقانه مانند گزارش درآمد، سود و منافع عایدی کمتر نسبت به درآمدهای واقعی یا اعلام مالیات کسر شده بیش از حد واقعی آن است. کاهش درآمدهای عمومی ناشی از فرار مالیاتی، می‌تواند توسعه اقتصادی را با مشکل جدی مواجه نماید (حیدرزادی و همکاران، ۱۴۰۱). در کشورهای توسعه نیافته، فرار مالیاتی یک چالش بزرگ برای وصول درآمدهای مالیاتی است (الرحمنه و بیدن^۱، ۲۰۲۲؛ عمر و همکاران^۲، ۲۰۱۹). مبارزه با فرار مالیاتی یکی از اهداف تمام نظام‌های مالیاتی جهان است که دو راهبرد اساسی برای آن وجود دارد. یکی ایجاد و توسعه سیستم‌های خوداظهاری پایدار مالیات و دوم استفاده از حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک. سیستم خوداظهاری به مودیان مالیاتی اجازه می‌دهد تا میزان مالیات قابل پرداخت را در هر سال، مطابق با قوانین مالیاتی قابل اجرا، تعیین و پرداخت کنند و آزادی و مسئولیت زیادی را برای انجام تعهدات مالیاتی مودیان مالیاتی فراهم می‌کند (مسرالله و همکاران^۳، ۲۰۲۱). از آنجا که این سیستم خواستار تمکین داوطلبانه مالیات‌دهندگان است، باعث می‌شود فرصت‌های بزرگی برای آنها ایجاد شود. وصول مالیات با سیستم خوداظهاری در صورتی به خوبی انجام خواهد شد که مودیان از دانش مالیاتی و انضباط بالایی برخوردار باشند و ویژگی‌های سیستم خوداظهاری (اطمینان از

1 . Al-Rahamneh & Bidin

2 . Umar et al.

3 . Masrullah et al.

سادگی قانون، اجرای آسان، منصفانه و عادلانه بودن مالیات) به خوبی توسط مودیان انجام شود (و حیودین و همکاران^۱، ۲۰۲۲؛ باترانسیا و همکاران^۲، ۲۰۱۹ و گچرت و هایمبرگ^۳، ۲۰۲۲). به عبارت دیگر موفقیت سیستم مالیاتی خوداظهاری، تمکین داوطلبانه قوانین مالیاتی است (پوی یی و همکاران^۴، ۲۰۱۷). با توجه به اینکه سازمان‌های امور مالیاتی می‌توانند در ایجاد اعتماد عمومی نقش بسزایی داشته باشند بایستی تمرکز دائمی بر رویه‌های عملیاتی امور مالیاتی داشته تا اطمینان حاصل نمایند که هم در اخذ مالیات و هم در بخش استفاده از منابع در اختیار خود، بهترین اثربخشی و کارایی را دارند و با اجرای این امور است که دستگاه‌های مالیاتی پیشرو و موفق در جهان، چهره خود را نزد مردم بهبود بخشیده و سازماندهی اجرایی فرآیندهای کاری خود را بهینه می‌سازند. در همین راستا برای ایجاد و برخورداری از یک سازمان مالیاتی مطلوب، بایستی فرآیندهای عملیاتی این سازمان به خوبی شناسائی و به بهترین شکل به اجرا گذاشته شوند (نوش‌ناب و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین مدیران سازمان‌های مالیاتی برای اینکه بتوانند عملکرد سازمان‌های مالیاتی را ارتقا بخشند بایستی با دید سیستمی به سازمان بنگرند، و سعی کنند تا آنجایی که امکان‌پذیر است از ورودی‌های سیستم بدون اینکه اثر سویی بر روی خروجی سیستم داشته باشد بکاهند (تقی زاده و تار، ۱۳۸۷). نظام مالیاتی ایران در دو دهه اخیر شاهد تحولات عمده‌ای در فرآیندها و خط‌مشی گذاری‌های مالیاتی بوده است. این سازمان هزینه‌های فراوان و زمان زیادی را صرف تهیه، تدوین و اجرای استراتژی‌هایی مانند طرح جامع مالیاتی می‌نماید تا بتواند به اهداف بلندمدت و چشم‌اندازهای سازمان خود دست یابد (اسدپور و همکاران، ۱۴۰۱).

تلاش در جهت ایجاد فرهنگ مالیاتی پیشرو و قوی در کشور تأثیر مهمی در کاهش هزینه‌ها، افزایش عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و گسترش چتر مالیاتی و تمکین

-
- 1 . Wahyudin et al.
 - 2 . Batrancea et al.
 - 3 . Gechert & Heimberger
 - 4 . Pui Yee et al.

مالیاتی دارد. با توسعه فرهنگ مالیاتی و به تبع آن تأثیر بر خوداظهاری، مالیات‌دهندگان با تمایل بیشتری در پرداخت مالیات همراهی می‌نمایند و این امر سبب می‌شود که مؤدیان مالیاتی جدیدی نیز در این مسیر همراه شود و منجر به توسعه و گسترش چتر مالیاتی می‌گردد (ایمانی و مستوفیان، ۱۳۹۷). یکی از مواردی که در حال حاضر از اولویت‌های سازمان امور مالیاتی است، حسابرسی مبتنی بر ریسک است که از موارد مطرح در پروژه انتخاب حسابرسی مبتنی بر ریسک، شناسایی عوامل مؤثر بر تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی مؤدیان مالیاتی می‌باشد. آگاهی از جنبه‌های مختلف این اختلافات و شناسایی عوامل مؤثر بر تفاوت‌های مزبور، می‌تواند دانش حسابرسان مالیاتی، مؤدیان مالیاتی، حسابداران رسمی و مدیران مالی را در مورد این تفاوت‌ها و روش‌های تعدیل آنها افزایش داده و به همان نسبت شکاف بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات مطابق با قوانین مالیاتی را کاهش دهد (باقری و عموری، ۱۳۸۸؛ پورحیدری و سروسستانی، ۱۳۹۱). بنابراین پژوهش حاضر به موجب بینش‌های به‌دست‌آمده از صاحب‌نظران و تطبیق آن با نظریه‌های موجود، به دنبال یافتن پاسخی به سوال اصلی تحقیق به شرح ذیل می‌باشد: عوامل مؤثر در تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها جهت اجرای طرح جامع مالیاتی کدامند؟ به همین منظور در ادامه پژوهش، مبانی نظری و پیشینه تجربی، روش‌شناسی پژوهش و یافته‌ها بحث و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۲- پیشینه پژوهش

اهمیت و جایگاه خاص نظام مالیاتی در اقتصاد هر کشور، بر هیچ یک از متخصصان و خبرگان حوزه اقتصادی پوشیده نیست. استراتژی حسابرسی، ابزار مهم و حیاتی در مدیریت تمکین از طریق سازمان امور مالیاتی می‌باشد. یکی از جنبه‌های طراحی استراتژی حسابرسی، روش مورد استفاده برای انتخاب مؤدی می‌باشد. مهم‌ترین روش‌های مورد استفاده توسط سازمان مالیاتی کشورها جهت انتخاب مؤدیان برای حسابرسی

می‌تواند به سه روش غربالگری فردی (انتخاب دستی)، انتخاب تصادفی و انتخاب مبتنی بر ریسک باشد. مدیریت ریسک عنصری کلیدی، مؤثر و کارآمد در مدیریت تمکین مالیاتی مؤدیان بوده و از اولویت‌های عملیاتی یک سازمان مالیاتی مدرن به حساب می‌آید. اعمال یک استراتژی تمکین توسط سازمان مالیاتی، عکس‌العمل متناسب با سطح ریسک تمکین هر مؤدی می‌باشد (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۳).

مشکلات موجود در سیستم مالیاتی ایران مسئولان را بر آن داشت تا تمهیدی جدی در خصوص نظام مالیاتی بیاندیشند. مشکلاتی از قبیل ایرادات و ناهم‌سویی سیاست‌ها، نظام‌ها و فرآیندهای ناکارآمد مالیاتی، عدم وجود دید یکپارچه به مؤدیان مالیاتی و اطلاعات ایشان، عدم ارائه خدمات مناسب به مؤدیان و دانش ناکافی مؤدیان و ضعف فرهنگ پرداخت مالیات منجر به افزایش هزینه‌های عملیاتی، افزایش شکایات و نارضایتی و افزایش حجم فرارهای مالیاتی و کاهش درآمدها گردیده است. لذا بر اساس موارد ذکر شده، نواقص و کاستی‌های موجود در اطلاعات، فرآیندها، اجرا و قوانین موجود نظام مالیاتی، اهمیت اجرای طرح جامع مالیاتی را ایجاب نموده است. در سال‌های اخیر در سازمان امور مالیاتی ایران، پروژه انتخاب حسابرسی بر مبنای ریسک، زیر مجموعه محور نظام یکپارچه مالیاتی در طرح جامع مالیاتی دیده شده، ولی هنوز به طور کامل عملیاتی نگردیده است. در صورت اجرای این پروژه، دیگر حساب‌برسان سازمان امور مالیاتی درگیر پردازش اظهارنامه مالیاتی نمی‌گردد و این کار به صورت خودکار انجام می‌شود (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۳). از طرفی با ابلاغ قانون جدید مالیاتی مصوب تیرماه ۱۳۹۴، که به استثناء بخش‌هایی از آن، از جمله اجرای ماده ۹۷ که از ابتدای سال ۱۳۹۵ اجرایی شد، حذف مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب بهمن‌ماه ۱۳۸۰ و به بیان بهتر، حذف تشخیص مالیات به روش علی‌الراس و جایگزینی شیوه رسیدگی مبتنی بر دلایل و شواهد عینی، که باید با اتخاذ ساز و کارهای مناسب کارآمد شود، به عدالت مالیاتی کمک می‌نماید. بر این اساس با حذف روش علی‌الراس از نظام مالیاتی، رسیدگی‌ها در مسیر انضباط بیشتر و شفافیتی بیش از پیش قرار می‌گیرد و

همراهی و تعامل بین اصناف، بنگاه‌های اقتصادی و به بیان دیگر مؤدیان، با سازمان امور مالیاتی بیشتر می‌شود و با اعتماد به مردم و ملاک قرار گرفتن اطلاعات مؤدیان می‌توان امیدوار بود که زمان وصول مالیات نیز کمتر شود. در چنین شرایطی است که تعامل بین مؤدیان و حساب‌رسان مالیاتی بیشتر شده و رضایت‌مندی مؤدیان افزایش یافته و نظام مالیاتی به تحقق عدالت مالیاتی نزدیک‌تر می‌گردد (برزگری و همکاران، ۱۳۹۹).

در راستای حمایت نظری از پژوهش حاضر، نظریه‌های علمی زیر می‌تواند برای حمایت از عوامل موثر بر اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها جهت توسعه و اجرای بهتر طرح جامع مالیاتی، بستری مناسب فراهم نماید.

الف: تئوری اعتماد^۱

جیمز کلمن^۲ یکی از نظریه‌پردازان در حوزه اعتماد، معتقد است که بر اساس تئوری انتخاب عقلایی، کنشگران، عاملانی هدفمند هستند که به کنش‌هایی اقدام می‌کنند که احتمال موفقیت در آنها بیشتر است و در نتیجه منافع آنان را بیشتر تامین می‌کند. اما نکته‌ای که وجود دارد آن است که انجام بسیاری از مبادلات، مستلزم وجود اعتماد میان طرفین است. از نظر کلمن، اطلاعات نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در فرآیند اعتماد بازی می‌کند. بر این اساس وجود اطلاعات می‌تواند اعتماد میان طرفین را تقویت نماید (مرادی و بیات، ۱۳۹۷ و کلمن، ۱۹۹۴). چنین به نظر می‌رسد در نظام مالیاتی کشور ما فرهنگ پرداخت مالیات به‌طور داوطلبانه بر اساس خوداظهاری پایین است و از نظر مردم سیستم مالیاتی کارساز و مؤثر نبوده و اعتماد متقابل هم بین دستگاه مالیات و مؤدیان مالیاتی وجود ندارد (قرنجیک و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین تعیین مولفه‌های معتبر و قابل قبول جهت ایجاد اعتماد متقابل بین دستگاه مالیات و مؤدیان مالیاتی در پرتو تئوری اعتماد ضروری است. بنابراین تعیین مولفه‌های معتبر و قابل قبول جهت ایجاد اعتماد متقابل بین دستگاه مالیات و مؤدیان مالیاتی در پرتو تئوری اعتماد ضروری خواهد بود.

1. Trust Theory
2. James Coleman

ب: تئوری عمل منطقی^۱

تئوری عمل منطقی در سال ۱۹۶۷ معرفی شد و در طی اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به وسیله آجزن و فیشبین^۲ توسعه یافت و بر این فرضیه استوار است که افراد به طور منطقی رفتار می‌کنند. آنان تمام اطلاعات در دسترس درباره رفتار هدف را جمع‌آوری و به طور منظم ارزیابی نموده، اثر و نتیجه عمل را در نظر گرفته، سپس بر اساس استدلال خود در خصوص انجام یا عدم انجام آن عمل تصمیم‌گیری می‌نمایند (پیکاراین و همکاران^۳، ۲۰۰۴). بر اساس این تئوری، میزان اعتبار اطلاعات ابرازی مودیان ناشی از رفتار و عمل منطقی مودیان خواهد بود. بدین ترتیب در مدل عمل منطقی قصد و نیت فرد تابع دو متغیر گرایش فرد نسبت به رفتار و هنجارهای ذهنی فرد می‌باشد. گرایش فرد نسبت به رفتار (متغیر اول) تحت تأثیر دو عامل انتظار فایده و ارزیابی فایده قرار دارد. منظور از انتظار فایده، انتظار فرد از نتایجی است که رفتار مشخص به همراه خواهد داشت و منظور از ارزیابی فایده میزان و شدت نتایج سودمند یا نامطلوب ناشی از بروز رفتار می‌باشد. به عنوان مثال، فردی ممکن است مالیات را ابزاری برای افزایش رفاه جامعه و پرداخت سهم جامعه از درآمد خود بیندارد و از این طریق به وظیفه اجتماعی خویش عمل نموده و موجب افزایش امنیت و رفاه برای هموطنان خویش خواهد بود (یک پیامد مثبت با احتمال بالا)، اگر وی پرداخت مالیات را به عنوان یک عامل اضافی و هزینه ناحق بر خویش بیندارد و بر این تصور باشد که این مالیات‌ها در محل مناسب خود مصرف نخواهد شد و یا اینکه افراد دیگر با درآمدهای بالاتر از پرداخت مالیات امتناع می‌کنند و در نتیجه وی پرداخت مالیات خود را ناحق تصور می‌کند (یک پیامد منفی با احتمال پایین)؛ ترکیب این دو جنبه، نگرش تقریباً مثبتی را نسبت به پرداخت مالیات و خوداظهاری با اعتبار بالا در وی ایجاد خواهد کرد.

1 . Theory of reasoned action

2 . Ajzen & Fishbein

3 . Pikkarainen et al

هنجارهای ذهنی فرد (متغیر دوم) نیز فشارهایی است که از طرف جامعه بر فرد در راستای انجام دادن یا انجام ندادن عملی وارد می‌شود. در واقع توجه فرد به این جهت است که رفتارش از سوی اطرافیان (پدر، مادر، دوستان، همکاران، جامعه و ...) تا چه حد مورد تأیید یا سرزنش قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر انتظارات دیگران از فرد برای بروز رفتار می‌تواند عامل موثری بر رفتار فرد باشد. به عنوان مثال، ممکن است جامعه از افراد انتظار داشته باشد که مالیات واقعی خویش را پرداخت نمایند و اداره امور مالیاتی انتظار داشته باشد که خوداظهاری معتبر انجام دهند (دیگری مهم) و این در حالی است که افراد و مودیان دیگر (و شاید در جوامع دیگر) نیز این عمل را انجام می‌دهند (فشار برای هم‌نوایی). مجموع این دو، موجب شکل‌گیری هنجار ذهنی مثبت برای انجام خوداظهاری معتبر و پرداخت مالیات واقعی خواهد شد. در نتیجه، در این تئوری، رفتار افراد منحصراً تحت کنترل قصد و نیت رفتاری آنها است و لذا بر این اساس می‌توان بیان نمود که رفتار خوداظهاری صحیح و معتبر تنها متأثر از قصد رفتاری پرداخت مالیات محسوب می‌گردد.

بررسی پیشینه تجربی پژوهش بیانگر این مطلب است که متغیرهایی نظیر تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی، ریسک حسابرسی مالیاتی، خوش‌حسابی مؤدیان و ریسک اظهارنامه، بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی با عنوان عوامل اثرگذار بر سوگیری حسابرسان مالیاتی در قضاوت‌های حرفه‌ای با روش آمیخته (کیفی: نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و کمی: تکنیک فازی) به این نتیجه رسیدند که قوانین و مقررات مالیاتی، صرفاً نمی‌تواند اهداف قانون‌گذاران را برآورده سازد. مقررات منصفانه و عادلانه مالیاتی، مستلزم نظارت و رسیدگی مجریان حرفه‌ای است و بدون مذاکره در خصوص این موضوعات، رسالت مالیات و مالیات‌ستانی محقق نخواهد شد. حیرانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به شناسایی شاخصه‌های مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی با روش ترکیبی اکتشافی پرداختند و نشان دادند، مبادله با شرکت‌های صوری و فاقد اعتبار،

استفاده از حساب جاری شرکا در انجام هزینه‌ها و بالا بودن نسبت موجودی کالای پایان دوره به فروش، به عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های ریسک حسابرسی مالیاتی می‌باشند. محمدی آزاد (۱۳۹۶) در پژوهشی به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر اجرای خط‌مشی‌های مالیاتی در ایران پرداخت و بر اساس نتایج بدست آمده مشخص شد که شفافیت خط‌مشی‌های مالیاتی، فرهنگ مالیاتی جامعه و تعهد سازمان‌های مالیاتی به ترتیب از بیشترین اهمیت در اجرای خط‌مشی‌های مالیاتی برخوردار هستند. دستگیر و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به ارائه مدل انتخاب برای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک اشخاص حقوقی در ایران پرداختند و عوامل موثر بر ریسک مودی را کیفیت حاکمیت شرکتی (متغیرهای نقش دوگانه مدیرعامل، درصد تعداد مدیران غیرموظف، درصد سهام در دست مدیران، قدرت سهامداران، درصد سهامداران نهادی، ارائه گزارش حسابرسی مالی و مالیاتی)، ویژگی‌های مودیان حقوقی (متغیرهای نوع مالکیت، نوع شرکت، نوع فعالیت، تمرکز، عمر فعالیت، اندازه، عضویت در بورس) و سابقه مالیاتی شرکت شناسایی نمودند.

و حیودین و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی نشان دادند که گزارش حسابرسی مالیاتی به عنوان اقدام نظارتی بر سیستم خوداظهاری مؤثر می‌باشد. بنی خالد و همکاران^۲ (۲۰۲۲) نگرش مودیان، معیارهای ذهنی، رفتار ادراکی و میهن‌پرستی را عوامل تعیین‌کننده تمکین مالیاتی شناسایی نمودند. دی نوه و همکاران^۳ (۲۰۲۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که ساده سازی ارتباطات بین مودیان مالیاتی و اداره مالیات باعث افزایش تمکین مالیاتی می‌گردد و پیام‌های بازدارندگی تاثیر مثبتی بر تمکین مالیاتی خواهد داشت و از طرفی اخلاق و روحیه مالیاتی باعث افزایش یا بهبود تمکین مالیاتی نمی‌شود. پررا و همکاران^۴ (۲۰۲۰)، تعصب تأییدکنندگی در قضاوت‌های حسابداری را

-
- 1 . Wahyudin et al.
 - 2 . Bani-Khalid et al.
 - 3 . De Neve et al.
 - 4 . Perera et al.

بررسی کردند و نتایج پژوهش آنها نشان داد که حسابداران برای اصول شناخت و اندازه‌گیری، سوگیرانه عمل می‌کنند و این سوگیری را می‌توان با آگاهی‌دادن به حسابداران در خصوص الزامات قضاوت درست، کاهش داد. کنو^۱ (۲۰۲۰) نیز در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر درک مالیات‌دهندگان نسبت به فرار مالیاتی پرداخت و نشان داد که فرار مالیاتی ناشی از عدم آگاهی در مورد مالیات، درک فرار مالیاتی به عنوان فرهنگ، روند حسابرسی مالیاتی و درجه تشخیص، درک فرار مالیاتی به عنوان جرم جزئی و مسائل مربوط به انصاف مالیاتی و عدالت است. ضمناً، تیلاهون^۲ (۲۰۱۹) در تحقیقی مالیات‌دهندگان را تحت تأثیر عوامل مختلفی از قبیل مجازات، عدالت در سیستم مالیاتی، نرخ مالیات، احتمال کشف و ممیزی و غیره دانسته و پیشنهاد می‌کند که نهاد و صول‌کننده مالیاتی می‌بایست با ایجاد عدالت مالیاتی (نه با سیاست چماق)، سطح مجازات مناسب را حفظ کند و برای شهروندان مسئول امتیازاتی در نظر بگیرد. همچنین دا سیلوا و همکاران^۳ (۲۰۱۹) دو سیاست مالیات اجباری و مالیات داوطلبانه را در چارچوب شیب لغزنده در کشور برزیل بررسی کردند و نتایج پژوهش آنها نشان داد که تعامل مبتنی بر اعتماد بین مالیات‌دهندگان و حسابرسان مالیاتی، به پرداخت مالیات داوطلبانه منجر خواهد شد. این در حالی است که سیاست مبتنی بر فشار و زور، به پرداخت مالیات اجباری منتهی نخواهد شد و مالیات‌دهندگان تمایلی به پرداخت مالیات نخواهند داشت. ایناسیوس^۴ (۲۰۱۹) اثبات کرد که احتمال حسابرسی، دانش مالیاتی و درک عدالت و انصاف، تأثیر معنی‌داری بر تمکین مالیاتی و آرایه اطلاعات قابل اعتماد و صحیح توسط مودیان مالیاتی دارند. عبدالحمید و همکاران^۵ (۲۰۱۹) عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی مشاغل را دانش مالیاتی، پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی و

-
- 1 . Kenno
 - 2 . Tilahun
 - 3 . Da Silva et al.
 - 4 . Inasius
 - 5 . Abd Hamid et al.

سختی درک آن و بالا بودن نرخ فعلی مالیات می‌دانند. زیارکپوه^۱ (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی نشان داد اعتماد به دولت به‌طور مثبت و معناداری بر احتمال تمکین مالیاتی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، متغیرهای دیگری مانند سطح تحصیلات بالا، استخدام در دولت، سطح پایین فساد و داشتن احساس امنیت به‌طور قابل توجهی بر احتمال تمکین مالیاتی تأثیر می‌گذارند.

۳- روش‌شناسی تحقیق

با توجه به اهداف و سوال پیش‌بینی شده، در این تحقیق از روش آمیخته اکتشافی استفاده می‌شود. روش تحقیق آمیخته روشی برای گردآوری و تحلیل داده‌های کمی و کیفی در یک مطالعه یا مجموعه‌ای از مطالعات است که مبتنی بر تقدم و توالی اطلاعات است (تشکری و تدلی^۲، ۲۰۰۷). هدف از استفاده از روش‌های تحقیق آمیخته، به کار بردن یکی به جای دیگری نیست، بلکه تقویت نقاط قوت و کاهش دادن یا به حداقل رساندن ضعف‌های هر دو روش در یک مطالعه است (کرسول^۳، ۲۰۰۳). به کارگیری یکی از روش‌های تحقیق (مبتنی بر روش کمی و یا کیفی) تنها جنبه‌های محدودی از یک پدیده را نمایان می‌کند. بنابراین استفاده از روش‌های تحقیق آمیخته، درک روشن‌تری از پدیده‌های اجتماعی و رفتاری فراهم می‌آورد. روش تحقیق آمیخته، طرح‌های متعددی دارد که یکی از آنها، طرح آمیخته کتشافی است. در این طرح پژوهشگر درصدد زمینه‌یابی در باره موقعیتی نامعین است. بنابراین ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی می‌پردازد. انجام این بخش او را به توصیف جنبه‌های بی‌شمار پدیده هدایت می‌کند. سپس پژوهشگر می‌تواند با گردآوری داده‌های کمی به آزمون‌های کمی بپردازد. پژوهشگر بر مبنای یافته‌های حاصل از داده‌های کیفی، سعی دارد داده‌های کمی را گردآوری کند تا تعمیم‌پذیری یافته‌ها را میسر سازد (بازرگان، ۱۳۹۱).

1 . Nyarkpoh
2 . Tashakkori & Teddlie
3 . Creswell

جامعه آماری تحقیق، خبرگان و مطلعین کلیدی در سازمان امور مالیاتی کشور بودند. دلیل انتخاب این افراد، کارها، خبرگی تخصص و تجربه آنها می باشد. بدیهی است تعامل همیشگی کارکنان سازمان با مودیان، خبرگی در این افراد ایجاد کرده که می توان اطلاعات دقیق، مربوط و کاملی از آنها در یافت کرد. برای نمونه گیری نیز از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده است. در این روش پژوهشگر به گونه ای آگاهانه شرکت کننده های خاص را بر می گزیند. برگزیدگان یا به صورت مشخص از ویژگی یا پدیده مورد نظر برخوردارند و یا در حوزه های خاص غنی از اطلاعات هستند (بوسول و کانن^۱، ۲۰۱۲). این انتخاب بر اساس هدف پژوهش و با توجه به تخصص و تجربه افراد انجام می شود (تشکری و تدلی^۲، ۲۰۰۳). معیارهای گزینش خبرگان نیز داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه در امور مالیاتی شرکتها، قرار داشتن در جایگاه تشخیص مالیات، همچنین داشتن کسب و تجربه مدیریت، آموزش، پژوهش و حضور در کارگروه های برنامه ریزی در این سازمان است.

برای گردآوری داده ها در بخش کیفی تحقیق، از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. مصاحبه ها تا جایی ادامه پیدا کرد که اشباع نظری حاصل شد. اشباع نظری وقتی به دست می آید که انجام مصاحبه جدید، داده جدیدی به داده های قبلی اضافه نمی کند. لینکلن و گوبا اظهار می کنند که در یک مطالعه که با دقت هدایت شده و در آن انتخاب نمونه به صورت تکاملی و تعاقبی بوده است، می توان با حدود ۱۲ شرکت کننده به نقطه اشباع رسید و احتمالاً این تعداد بیشتر از ۲۰ نخواهد شد. در این پژوهش با ۱۶ مصاحبه به اشباع نظری رسیدیم. همچنین برای گردآوری داده ها در بخش کمی تحقیق از پرسشنامه استفاده شد. قلمرو زمانی پژوهش، سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ می باشد و قلمرو مکانی نیز محیط اقتصادی ایران است.

1 . Boswell & Cannon
2 . Tashakkori & Teddlie

در بخش کمی سوال تحقیق بر اساس مفاهیم حاصل از بخش کیفی و نیز بررسی مبانی و پیشینه تحقیق تدوین شده است. برای آزمون سوال پژوهش، پرسشنامه‌ای بر اساس مفاهیم بخش کیفی پژوهش طراحی و اطلاعات آن توسط گروه‌های مختلف، تکمیل گردید. گویه‌های این پرسشنامه بر اساس طیف (۹) درجه‌ای لیکرت، از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۹) طراحی گردید. برای تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها، وزن‌دهی به عوامل اصلی و فرعی از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد. همچنین کلیه فرآیندهای یاد شده در نرم‌افزار Smart PLS3 انجام شده است. در این بخش، جامعه آماری از اعضای هیات علمی گروه حسابداری، مدیران مالی، حسابرسان مستقل و حسابرسان مالیاتی به تعداد ۳۱۰ نفر تشکیل شده است که با بهره‌گیری از فرمول کوکران، تعداد ۱۷۱ پرسشنامه بین اعضاء توزیع و جمع‌آوری گردید. از میان پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، ۱۵۹ فقره قابل استفاده ارزیابی شد که ۱۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان بخش اول نیز جزو جامعه آماری بخش دوم بودند.

۴- یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش بر اساس فرآیند پیش‌بینی شده که در بخش روش تحقیق توضیح داده شده، در سه بخش کلی یافته‌های توصیفی تحقیق با هدف توصیف جامعه مورد بررسی، یافته‌های بخش کیفی تحقیق با هدف شناسایی عوامل موثر بر درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها و یافته‌های بخش کمی پژوهش با هدف تعیین و وزن اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها ارائه می‌شود:

یافته‌های توصیفی پژوهش

جدول شماره (۱) اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان پژوهش در بخش کیفی و کمی است.

جدول (۱). ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

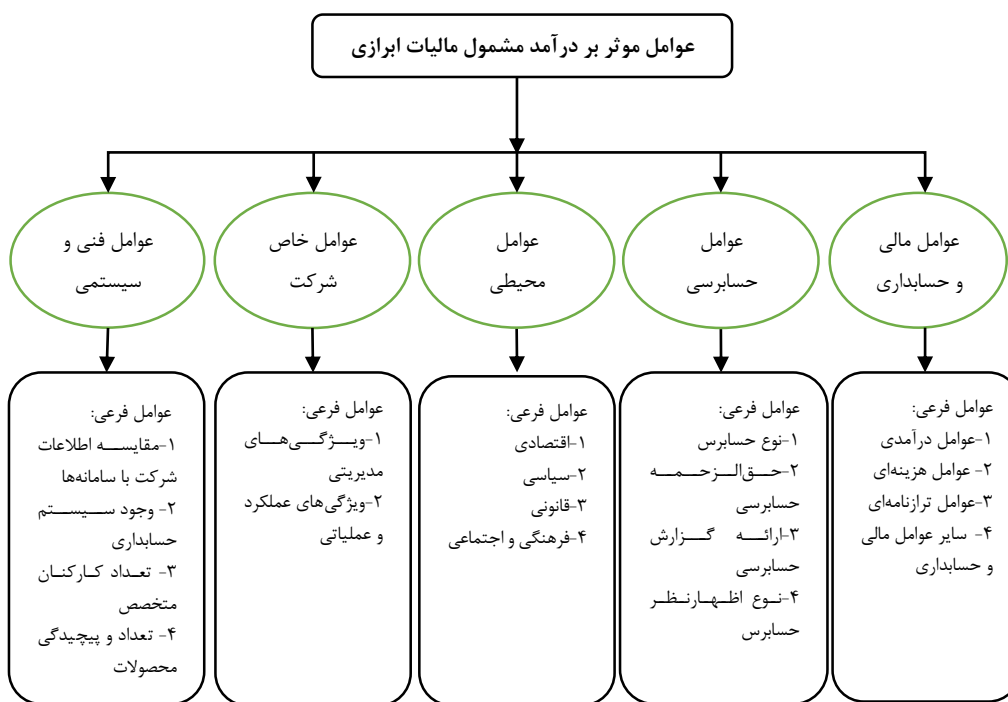
شرح	بخش کیفی		بخش کمی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
جنسیت	مرد	۱۴	۸۸	۱۳۴
	زن	۲	۱۳	۲۵
سن	کمتر از ۳۰ سال	۰	۰	۲۱
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۱۲	۷۵	۶۹
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۳	۱۹	۶۴
	بیش از ۵۰ سال	۱	۶	۵
سابقه	کمتر از ۱۰ سال	۰	۰	۱۱
	بین ۱۱ تا ۲۰ سال	۱۱	۶۹	۹۸
	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۴	۲۵	۴۸
تحصیلات	بیش از ۳۰ سال	۱	۶	۲
	کارشناسی	۲	۱۳	۲۷
	کارشناسی ارشد	۱۲	۷۵	۷۹
	دکتری	۲	۱۳	۵۳
رشته تحصیلی	حسابداری، حسابرسی، مالی	۱۲	۷۵	۱۳۵
	اقتصاد	۲	۱۳	۱۶
	سایر	۲	۱۳	۸

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های بخش کیفی پژوهش: شناسایی عوامل

در این بخش با انجام ۱۶ مصاحبه با خبرگان مالیاتی، عوامل موثر بر اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها شناسایی شدند. تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل کیفی تم و بر اساس فرآیند کدگذاری انجام شد. در این فرآیند، داده‌ها جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و به هر دسته، عنوان مناسب داده می‌شود. سپس از درون آنها، مفاهیم و مقولات استخراج و خوشه‌های مفهومی تشکیل گردیدند. با توجه به فرآیند

انجام شده برای تحلیل مصاحبه‌ها، در مجموع عوامل اصلی در قالب ۵ دسته، عوامل فرعی در قالب ۱۸ دسته و نهایتاً عوامل مؤثر بر اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها در قالب ۹۳ مفهوم قابل تفکیک است. بر اساس مدل مفهومی، می‌توان تمهیدات لازم برای ادا مه فرآیند این پژوهش در گام‌های بعدی از جمله طراحی پرسشنامه را فراهم کرد. مدل مفهومی پژوهش حاضر در بخش کیفی به شرح شکل شماره (۱) می‌باشد:



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش مبتنی بر نتایج بخش کیفی (منبع: یافته‌های پژوهش)

یافته‌های بخش کمی پژوهش:

آزمون و یافته‌های پژوهش

سوال پژوهش بیان می‌کند که عوامل مؤثر بر تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها کدامند؟ به عبارت دیگر، آیا تم‌های فرعی استخراج شده از بخش کیفی پژوهش می‌توانند عوامل مورد تاییدی برای تم‌های اصلی باشند؟ برای پاسخ به این سوال از روش

تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است. برای این منظور ابتدا بررسی می‌کنیم که آیا گویه‌های پرسشنامه قادر به تبیین تم‌های فرعی پژوهش هستند؟ پس از تایید این مرحله، سوال فوق را مورد بررسی قرار می‌دهیم. لازم به توضیح است که این روش با استفاده از نرم افزار Smart PLS نسخه ۳ انجام گردیده است. نتایج حاصل از مدل تحلیل عاملی تاییدی در جدول (۲) ارائه شده است. مقادیر ملاک معمولاً بین ۰/۵ تا ۰/۷ برای بارهای عاملی می‌باشد و کمترین سرحد اعلام شده مقدار ۰/۴ است. بدین معنی که سوالات با قدر مطلق بارهای عاملی کمتر از ۰/۴ کفایت لازم برای باقی ماندن در مدل را نداشته و باید حذف شده و مدل دوباره اجرا گردد. با توجه به نتایج مقدار قدرمطلق بار عاملی استاندارد شده برای تمامی گویه‌ها به غیر از گویه Q23 (۰,۱۰۱) بزرگتر از ۰/۵ است؛ از این رو این گویه غیر استاندارد حذف و مجدداً مدل تحلیل عاملی تاییدی اجرا شده است. نتایج حاصل از اجرای دوم مدل، حاکی از آن است که مقدار قدرمطلق بار عاملی استاندارد شده برای تمامی گویه‌ها بزرگتر از ۰/۵ است؛ از این رو می‌توان نتیجه‌گیری کرد که گویه‌های باقیمانده پرسشنامه، تم‌های فرعی پژوهش را به خوبی تبیین می‌کنند.

جدول (۲). نتایج بارهای عاملی استاندارد

بار عاملی استاندارد	مفهوم (گویه)	کد
۰/۷۷۲	وجود صادرات و نسبت آن به فروش داخلی شرکت	Q1
۰/۵۳۲	بالا بودن کیفیت سود ابرازی	Q2
۰/۶۷۶	تغییرات عمده در درآمد نسبت به سنوات قبل	Q3
۰/۷۸۹	متناسب بودن حاشیه سود ناخالص و سود خالص و نسبت به میانگین صنعت	Q4
۰/۷۷۳	موارد غیر تاثیرگذار در درآمد مشمول مالیات مانند سود فروش سرمایه‌گذاری، سود سهام و...	Q5
۰/۵۱۸	وجود درآمد اتفاقی	Q6
۰/۶۷۵	وجود درآمدهای دارای مالیات مقطوع	Q7
۰/۷۸۵	عدم وجود زیان ابرازی طی حداقل دو سال متوالی	Q8
۰/۸۰۰	بالا بودن نسبت ریالی موجودی کالای ساخته شده به فروش طی حداقل دو سال متوالی	Q9

بارعاملی استاندارد	مفهوم (گویه)	کد
۰/۸۲۳	میزان کالای ساخته‌شده و ارتباط آن با نوع فعالیت شرکت از لحاظ تاریخ انقضاء و شرایط نگهداری	Q10
۰/۷۸۷	وجود کالای در جریان ساخت و ارتباط آن با موضوع فعالیت شرکت در حد مناسب	Q11
۰/۸۰۰	عدم تغییر عمده مواد کمکی و بسته‌بندی علیرغم پایین‌بودن مبلغ آن و نسبت آن با حجم و مقدار کالای ساخته‌شده	Q12
۰/۸۱۶	هم‌خوانی اجزای بهای تمام‌شده (مواد، دستمزد و سربار) نسبت به فروش	Q13
۰/۵۰۴	عدم تغییر عمده در نسبت مقداری ضایعات به تولید	Q14
۰/۵۴۰	درصد مطلوب هزینه حقوق و دستمزد و نسبت آن با فروش از لحاظ تولیدی، بازرگانی و ...	Q15
۰/۵۵۲	نسبت مقداری مواد وارداتی به کل مواد اولیه مورد استفاده در تولید	Q16
۰/۵۰۱	وجود تسهیلات مالی و ارتباط آن با هزینه مالی و میزان درآمد شرکت	Q17
۰/۵۵۲	بازده مطلوب دارایی‌ها	Q18
۰/۶۹۰	عدم وجود نوسان معنادار در ارقام صورت‌های مالی در حداقل ۲ سال متوالی	Q19
۰/۶۳۵	بالا بودن میزان سرمایه در گردش نسبت به میانگین صنعت	Q20
۰/۵۰۴	پایین بودن دوره گردش مطالبات و نسبت آن با فروش شرکت	Q21
۰/۵۵۴	عدم تغییرات عمده حساب‌های دریافتنی و نسبت آن با فروش	Q22
حذف شده	نسبت موجودی کالا به حجم و مقدار فروش	Q23
۰/۷۲۵	افزایش در دارایی ثابت و تاثیر آن بر فروش شرکت	Q24
۰/۶۹۶	میزان سفارشات و پیش‌پرداخت‌ها و ارتباط آن با میزان خرید	Q25
-۰/۵۶۵	مبلغ هزینه و ذخیره پایانکار و ارتباط آن با تعداد کارکنان	Q26
-۰/۵۵۰	مبلغ پیش‌دریافت‌ها و ارتباط آن با فروش و تسهیلات دریافتی	Q27
۰/۵۳۹	پایین بودن سهم حساب جاری شرکا نسبت به فروش یا خرید	Q28
-۰/۵۴۹	عدم وجود فروش به شرکت‌های صوری و فاقد اعتبار	Q29
۰/۶۴۰	پایین بودن نسبی تعداد و تنوع مشتریان	Q30
-۰/۵۸۹	داشتن دفاتر قانونی و تحریر آن	Q31
۰/۶۹۷	وجود تعدیلات سنواتی مخصوصاً اینکه افزایش درآمد مشمول مالیات باشد	Q32
۰/۷۴۲	اطلاعات بانکی مودیان (گردش حساب‌های بانکی و ارتباط آن با فروش شرکت)	Q33
-۰/۶۱۵	داشتن خرید یا فروش در بورس کالا	Q34
۰/۷۱۸	تعداد کارکنان و نسبت آن با موضوع فعالیت شرکت	Q35

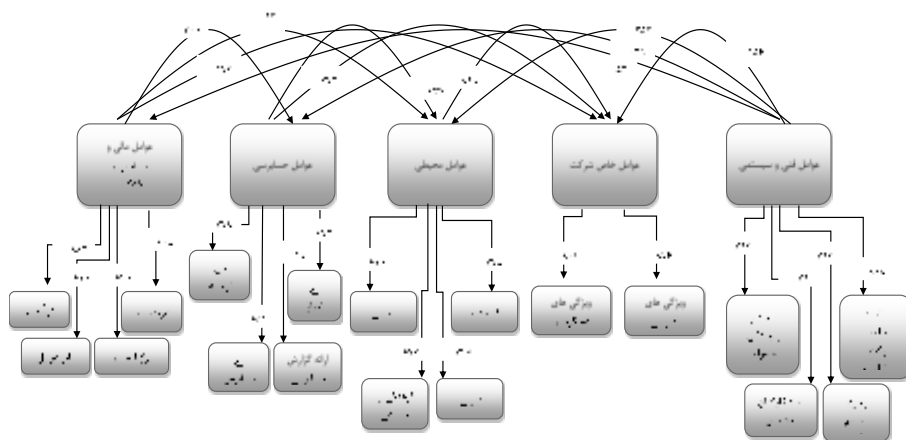
بارعاملی استاندارد	مفهوم (گویه)	کد
۰/۸۳۰	دولتی بودن حسابرس	Q36
۰/۵۷۷	بزرگ بودن موسسه حسابرسی	Q37
۰/۸۸۹	رتبه موسسه حسابرس (الف، ب، ج)	Q38
۰/۵۷۱	بیشتر بودن مبلغ حق الزحمه حسابرسی	Q39
۰/۹۳۸	وجود حق الزحمه خدمات غیر حسابرسی	Q40
۰/۷۳۷	اجباری بودن ارائه گزارش حسابرسی	Q41
۰/۷۹۷	ارائه گزارش حسابرسی همراه اظهارنامه	Q42
۰/۶۴۲	کیفیت حسابرسی مالی انجام شده توسط حسابرسان مستقل	Q43
۰/۵۱۳	مشروط / مردود بودن گزارش حسابرسی	Q44
۰/۸۵۳	وجود بندی درباره تداوم فعالیت شرکت در گزارش حسابرسی	Q45
۰/۵۹۷	وجود بندی درباره ابهام درباره دعاوی حقوقی شرکت در گزارش حسابرسی	Q46
۰/۶۱۵	افزایش تولید ناخالص داخلی	Q47
۰/۷۱۶	نرخ تورم متعادل	Q48
۰/۶۶۳	نرخ اشتغال مناسب	Q49
۰/۵۴۳	نرخ بهره بانکی مناسب	Q50
۰/۶۰۷	داشتن عضو هیات مدیره دولتی	Q51
۰/۵۴۶	وجود سهامداران نهادی در ترکیب سهامداران	Q52
۰/۶۷۲	وجود سهامداران عمده در ترکیب سهامداران	Q53
۰/۵۹۴	وجود معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی و ارتباط آنها با موضوع فعالیت شرکت	Q54
۰/۶۲۹	مجوزهای قانونی مانند پروانه بهره‌برداری، استخراج معادن، بررسی ظرفیت اسمی و واقعی	Q55
۰/۵۱۳	تطبیق اطلاعات اظهارنامه با اطلاعات ثبت شده در گمرک، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و...	Q56
۰/۵۶۴	میزان آگاهی از قوانین و مقررات مالیاتی و حسابداری (داشتن مشاور مالی و مالیاتی)	Q57
۰/۶۵۴	سابقه مالیاتی شرکت- ماده ۱۸۹ ق.م.م (سه سال متوالی...)	Q58
۰/۵۴۳	مشمول مالیات ارزش افزوده بودن	Q59
۰/۵۶۵	ارائه معاملات فصلی	Q60
۰/۵۷۸	ارائه اظهارنامه مالیاتی در مواعد قانونی	Q61
۰/۵۵۱	نبودن شرکت در لیست شرکت‌های آلاینده (مشمول عوارض آلاینده)	Q62
۰/۶۶۱	نگرش مدیر یا مسؤولان مالی شرکت در مورد سیستم مالیات‌ستانی	Q63

بارعاملی استاندارد	مفهوم (گویه)	کد
۰/۱۸۰۱	نگرش مدیر یا مسؤولان مالی شرکت در مورد مالیات و ضرورت پرداخت آن	Q64
۰/۱۶۰۲	وضعیت فرهنگ مالیاتی کشور و تمایل به پرداخت مالیات در بین مؤدیان	Q65
۰/۱۵۷۳	نوع شرکت(سهامی عام، سهامی خاص، تضامنی و...)	Q66
۰/۱۷۹۴	تعداد اعضای هیات مدیره	Q67
۰/۱۸۶۷	وجود عضو مونث در ترکیب هیات مدیره	Q68
۰/۱۶۰۲	داشتن سهامدار خارجی	Q69
۰/۱۷۹۴	نوع مالکیت شرکت(دولتی یا سهامی عام)	Q70
۰/۱۷۹۳	درصد تعداد اعضای هیات مدیره غیرموظف	Q71
۰/۱۵۷۴	داشتن شعب یا شرکت‌های وابسته چندگانه(داخلی و خارجی)	Q72
۰/۱۷۶۵	ماهیت فعالیت(تولیدی، خدماتی، بازرگانی، پیمانکاری)	Q73
۰/۱۵۱۴	محل‌های فعالیت شرکت(چندگانه یا دور از محل اداری، قرارگرفتن در فضاهای غیرمتمرکز)	Q74
۰/۱۵۸۱	عمر شرکت(ملاک تاریخ اخذ پروانه بهره‌برداری می‌باشد)	Q75
۰/۱۷۰۱	اندازه مودی(کوچک، متوسط، و بزرگ)	Q76
۰/۱۶۰۰	میزان سرمایه ثبت‌شده نسبت به حجم عملیات آن	Q77
۰/۱۵۶۸	عضویت در بورس	Q78
۰/۱۵۶۸	نوع صنعت(غیرتحریمی)	Q79
۰/۱۷۶۱	امکان اعتبارسنجی داده‌های ارائه‌شده با سامانه‌های اطلاعاتی داخل سازمان	Q80
۰/۱۶۳۷	امکان تطبیق اطلاعات فروشندگان و خریداران	Q81
۰/۱۵۹۷	امکان تطبیق اطلاعات اظهارنامه با اطلاعات ثبت‌شده در گمرک، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و...	Q82
۰/۱۸۱۲	عدم مغایرت ریالی لیست حقوق سامانه مالیاتی و سازمان تأمین اجتماعی	Q83
۰/۱۷۰۵	وجود سیستم یکپارچه در شرکت(مالی/غیرمالی)	Q84
۰/۱۷۸۵	به‌روز بودن سیستم(مالی/غیرمالی)	Q85
۰/۱۶۴۴	وجود نرم‌افزارهای مورد تایید سازمان امور مالیاتی	Q86
۰/۱۶۷۷	وجود کارکنان دارای مدرک مرتبط با وظایف خودشان	Q87
۰/۱۷۱۰	وجود کارکنان دارای سابقه تجربی طولانی	Q88
۰/۱۷۵۸	وجود کارکنان دارای آموزش‌های فنی مرتبط با وظایف	Q89
۰/۱۵۰۱	تولید محصولات برند	Q90
۰/۱۷۶۶	تولید محصولات انحصاری	Q91

بارعاملی	مفهوم (گویه)	کد
استاندارد		
۰/۷۵۷	نوآوری در تولید محصولات	Q92
۰/۸۵۲	وجود تنوع در تعداد محصولات	Q93

منبع: یافته‌های پژوهش

حال به بررسی سوال پژوهش می‌پردازیم. مدل تحلیل عاملی تاییدی برای پاسخ به این سوال در شکل شماره (۲) آورده شده است.



شکل (۲). مدل اجرا شده تحلیل عاملی تاییدی

با توجه به شکل فوق، ضرایب بارهای عاملی مربوط به تم‌های فرعی عوامل درآمدی، هزینه‌ای، ترازنامه‌ای و سایر عوامل مالی و حسابداری که به تم اصلی عوامل مالی و حسابداری اختصاص دارد به ترتیب برابر با ۰/۸۸۲، ۰/۹۰۸، ۰/۶۴۵ و ۰/۶۱۵، ضرایب بارهای عاملی مربوط به تم اصلی عوامل حسابداری شامل تم‌های فرعی نوع حسابرس، حق‌الزحمه حسابرسی، ارائه گزارش حسابداری و نوع اظهارنظر حسابرس به ترتیب برابر ۰/۶۵۱، ۰/۷۷۹، ۰/۸۱۷ و ۰/۹۷۲، ضرایب بارهای عاملی مربوط به تم اصلی عوامل محیطی شامل تم‌های فرعی عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل قانونی و عوامل فرهنگی و اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۷۷۸، ۰/۶۱۵، ۰/۷۴۷ و ۰/۶۷۷، ضرایب بارهای

عاملی مربوط به تم اصلی عوامل خاص شرکت شامل تم‌های فرعی ویژگی‌های مدیریتی و ویژگی‌های عملکرد و عملیاتی به ترتیب برابر با ۰/۸۲۶ و ۰/۸۰۴ و نهایتاً، ضرایب بارهای عاملی مربوط به تم اصلی عوامل فنی شامل تم‌های فرعی مقایسه اطلاعات شرکت با سامانه‌ها، وجود سیستم حسابداری دوطرفه استاندارد، تعداد کارکنان متخصص و تعداد و پیچیدگی محصولات به ترتیب برابر با ۰/۹۶۸، ۰/۷۳۹، ۰/۷۹۰ و ۰/۷۹۳ است. چون تمامی عوامل بار عاملی بیشتری (بزرگتر از ۰/۵) با متغیر پنهان مربوط به خود دارند؛ لذا عوامل فوق برای تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها تایید می‌شوند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، به دلیل وجود درآمدهای حاصل از فروش نفت، وابستگی دولت بیشتر به این درآمدها بوده و در صد کمی از مجموع درآمدهای کشور از طریق مالیات حاصل می‌شد. اما در حال حاضر با تغییر و تحولاتی که در سطح بین‌الملل به واسطه کاهش جهانی قیمت نفت، وضع تحریم‌ها و به تبع آن نبود شرایط مناسب برای تجارت خارجی و دلایل دیگر، مالیات به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد دولت مطرح است. پرداخت مالیات از طرف مردم و کسب و کارها و دریافت آن از سوی دولت، نیازمند یک همیاری و همکاری متقابل و در سایه تئوری‌های اعتماد و عمل منطقی بوده و هدف از آن در مجموع، تأمین هزینه‌های عمومی برای رفع نیازهای اجتماعی است. هدف از انجام این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها بود. برای دستیابی به این هدف، از روش تحقیق آمیخته اکتشافی استفاده شد. بدین ترتیب در بخش کیفی با انجام ۱۶ مصاحبه با کارکنان سازمان امور مالیاتی به عنوان افراد خبره، با استفاده از روش تحلیل تم عوامل اولیه مؤثر بر درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها استخراج شد و پس از انجام تحلیل‌ها، ۹۳ شاخص در قالب ۱۸ تم فرعی و ۵ تم اصلی شناسایی گردید و در بخش کمی برای تعیین اعتبار درآمد

مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها، وزن‌دهی به عوامل اصلی و فرعی از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد.

یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها عوامل مالی و حسابداری می‌باشد. این عوامل شامل مولفه‌های درآمدی، هزینه‌ای، ترازنامه‌ای و سایر مولفه‌های مالی و حسابداری می‌باشد. مؤدیان از طریق اطلاعات حسابداری، سعی در ارائه تصویر غیرواقعی از وضعیت مالی و مخدوش نمودن درآمد مشمول مالیات دارند که این عوامل باعث افزایش ریسک مؤدی و ایجاد چالش در فرآیند حسابرسی مالیاتی می‌شود. همچنین به دلیل تضاد منافع بین مؤدی و حسابرس مالیاتی، ممکن است مفاهیم شناسایی شده در گزارش‌های حسابداری تهیه شده توسط مؤدی در جهت کاهش میزان مالیات و نهایتاً منجر به فرار مالیاتی باشد که از طریق گسترش فرهنگ مالیاتی می‌توان تضاد فوق را به حداقل رساند.

عامل مهم دیگر حسابرسی بود که از عوامل مهم در تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها شناسایی گردید. حسابرسی مکانیزمی به منظور اعتباربخشی به صورت‌های مالی و اطلاعات حسابداری شرکت‌هاست که پشتوانه تکمیل اظهارنامه مالیاتی مودیان می‌باشد؛ لذا انتظار بر این است که وجود عوامل خاص مرتبط با حسابرسی تاثیر معنی‌داری بر اعتبار اظهارنامه مالیاتی مودیان داشته‌باشد. نوع حسابرس، حق‌الزحمه حسابرسی، ارائه گزارش حسابرسی و نوع اظهارنظر حسابرس برای تشخیص و یافتن بهترین موقعیت تعامل و ارتباط با سازمان امور مالیاتی به عنوان عوامل حسابرسی مؤدی مدنظر قرار می‌گیرد. عوامل حسابرسی شامل دولتی بودن حسابرس، بزرگ بودن موسسه حسابرسی، رتبه موسسه حسابرس (رتبه الف، ب، ج)، وجود حق‌الزحمه خدمات غیرحسابرسی، اجباری بودن ارائه گزارش حسابرسی و... می‌باشد.

عامل محیطی نیز از عوامل دیگری بود که در تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها تاثیرگذار بود. با توجه به اینکه بنگاه‌های اقتصادی ارتباط و تعامل غیرقابل انکار با محیط خود از جنبه‌های مختلف مانند محیط قانونی، اقتصادی، سیاسی

و فرهنگی و اجتماعی دارند و این تعاملات نیز بر فعالیت‌ها، عملکرد و وضعیت مالی آنها مؤثر بوده و در اطلاعات حسابداری آنها تجلی خواهند یافت. از دید حسابرسان مالیاتی، انتظار می‌رود مؤدیانی که وظایف قانونی خود را بیشتر رعایت می‌کنند، ریسک کمتری دارند و اطلاعات مربوط به عملکرد خود را به موقع و درست به استفاده‌کنندگان ارائه می‌نمایند؛ بنابراین عدم ارائه به موقع و صحیح اطلاعات، به منزله اخبار بد تلقی شده و نشان‌دهنده ریسک بیشتر مؤدی می‌باشد. این امر موجب کاهش اعتبار اطلاعات ابرازی مودیان می‌گردد.

از عوامل خاص شرکت، ویژگی‌های عملکرد، عوامل مدیریتی و عملیاتی به میزان در تعیین اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها تاثیر داشت. منظور از عوامل خاص در این پژوهش، موارد مربوط به اطلاعات شرکت در سامانه‌های در اختیار سازمان، سیستم حسابداری مورداستفاده مودیان، کارکنان و نوع محصولات مودیان می‌باشد. هر سازمان نیاز به منابع متنوع برای رشد و توسعه خود دارد. در میان منابع مختلف، منابع انسانی، منابع مالی و منابع فنی مهم‌ترین منابع سازمان به شمار می‌روند (تقی زاده و همکاران، ۱۴۰۰). عوامل فنی و سیستمی امکان اعتبار سنجی داده‌های ابرازی مؤدی با سامانه‌های اطلاعاتی درون سازمانی و برون سازمانی را فراهم می‌سازد. هرچه این امکان گسترده‌تر باشد، عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرس مالیاتی و مؤدی کاهش می‌یابد و کیفیت حسابرسی مالیاتی افزایش خواهد یافت. علاوه بر این، آگاهی مؤدی از امکان تطبیق داده‌ها مانعی در ابراز اطلاعات نادرست می‌باشد. تطبیق داده‌ها از طریق استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی برون سازمانی (نظیر بانک، گمرک، تامین اجتماعی)، سامانه‌های اطلاعاتی درون سازمانی (نظیر صورت معاملات فصلی، لیست حقوق) و اطلاعات شرکت‌های مشابه انجام خواهد شد. بدیهی است که مؤدی به دلیل آگاهی و دسترسی به اطلاعات خود و همچنین صنعت خود، نسبت به حسابرسان مالیاتی دارای مزیت اطلاعاتی می‌باشد. هر قدر این مزیت اطلاعاتی بیشتر باشد، مؤدی بر عدم ارائه اطلاعات غیرقابل دسترسی برای حسابرس مالیاتی، منجر به گزینش نادرست حسابرس می‌شود

که این امر در تناقض با تئوری‌های اعتماد و عمل منطقی می‌باشد و موجب کاهش اعتبار اطلاعات ابرازی مودیان می‌گردد.

نتایج این پژوهش، هم‌راستا و هم‌جهت با نتایج تحقیقات دستگیر و همکاران(۱۳۹۴)، محمدی آزاد(۱۳۹۶)، زارعیان و همکاران(۱۳۹۸)، ابراهیمی و همکاران(۱۴۰۰) و داسیلوا و همکاران(۲۰۱۹) می‌باشد. هر چند هر یک از پژوهش‌های پیشین، بخشی از عوامل مؤثر بر درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها را شناسایی کرده‌اند ولی پژوهش حاضر را می‌توان به‌عنوان یک پژوهش جامع با در نظر گرفتن همه عوامل مؤثر بر درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها دانست.

پژوهش حاضر به‌عنوان یک پژوهش کاملاً کاربردی با رویکرد توجه به چالش‌های موجود در جامعه(شامل ارکان دولت و بخش‌های مختلف اقتصاد بخش عمومی و خصوصی) و ارائه راهکارهای عملی و کاربردی برای پاسخ به چالش موردنظر اجرا گردیده و سعی دارد نتایج عملی و ملموس فراهم نماید. بدین ترتیب، می‌توان یافته‌های پژوهش را بصورت کلی زیر جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نمود:

- خوداظهاری یا تمایل مودیان مالیاتی به ابراز درآمد مشمول مالیات واقعی خود، به‌عنوان بهترین مکانیزم برای وصول کم‌هزینه و آسان مالیات می‌باشد.
- نهادهای ذیربط در ایران در دهه اخیر تمایل زیاد و واقعی به سمت ترویج مکانیزم خوداظهاری در وصول درآمدهای مالیاتی نشان داده‌اند. این امر در قوانین و مقررات تدوین شده از قبیل آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم، قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان و مانند آنها کاملاً مشهود بوده است.
- وصول میزان مالیات‌ها در ایران در سال‌های اخیر بیانگر افزایش تمایل مودیان مالیاتی برای خوداظهاری درآمد مشمول مالیات بوده است.

- عوامل مالی و حسابداری، عوامل حسابرسی، عوامل محیطی، عوامل فنی و سیستمی و عوامل خاص شرکت در قالب ۱۸ تم فرعی و ۹۳ مفهوم به عنوان عوامل موثر در تعیین اعتبار درآمد ابرازی مشمول مالیات شرکت‌ها شناسایی گردید.
بر اساس نتایج به دست آمده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
- گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه می‌تواند سازمان امور مالیاتی را در جهت دستیابی به اطلاعات ابرازی دارای اعتبار بالا کمک نماید. از سوی دیگر، به سازمان امور مالیاتی پیشنهاد می‌گردد در پیروی از تئوری اعتماد، جهت‌گیری مناسب‌تری در راستای توسعه قوانین و مقررات و مکانیزم‌های مالیاتی داشته باشد.
- یکی از مهم‌ترین عواملی که به نظر متخصصان در بهبود فرهنگ مالیاتی مؤثر است اطلاع‌رسانی در ارتباط با مسایل مالیاتی در راستای گسترش و نهادینه‌سازی تئوری‌های اعتماد و عمل منطقی است و قطعاً اگرچه شرط کافی مساله نیستند ولی شرط لازم است. در کتاب‌های درسی، کانون‌های اجتماعی، سینماها و فیلم‌های تلویزیونی یا برنامه‌های رادیویی کشور تقریباً نشانی از مساله مالیات که حیاتی‌ترین مساله یک اقتصاد سالم است دیده نمی‌شود (اگر هم باشد خیلی ضعیف) در حالی که می‌توان با تبلیغات و آگاهی‌رسانی از طریق رادیو و تلویزیون در این زمینه به اصلاح وضع موجود پرداخت و تحولات اساسی ایجاد کرد و هم‌چنین گنجاندن واحد درسی آشنایی با اهمیت و جایگاه مالیات در برنامه‌های سطوح مختلف تحصیلی و ترویج اندیشه سرزمینی آباد با پرداخت مالیات در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تاکید روزافزون بر منافع عام از پرداخت مالیات و افزایش سهم شهروندان و اقشار پایین جامعه از کالاهای عمومی پیشنهاد می‌شود.
- برای برون‌رفت نظام مالیاتی کشور از وضعیت نامطلوب کنونی، مستلزم انجام اصلاحات اساسی در هریک از ارکان آن می‌باشد. به عبارت دیگر، برخورداری از یک نظام مالیاتی کارا در گرو مرتفع ساختن نقاط ضعف ارکان مذکور خواهد بود، بنابراین می‌بایست اصلاح قوانین و مقررات مالیاتی به‌ویژه اصلاح قانون مالیات‌های

مستقیم، گسترش پایه‌های مالیاتی و انجام اصلاحات بنیادی در سازمان امور مالیاتی در پرتو گسترش نظریه اعتماد در نظام مالیاتی به‌عنوان راهبردهای اساسی اصلاح نظام مالیاتی مورد توجه قرار گیرند، همچنین به موازات انجام این امور می‌بایست اصلاح فرهنگ عمومی جامعه نیز به‌عنوان امری بلندمدت در دستور کار دستگاه‌ها و نهادهای متولی امر فرهنگ کشور قرار گیرد.

با توجه به نبود پژوهش‌های کافی در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی مؤدیان مالیاتی در کشور، به پژوهش‌گران پیشنهاد می‌شود که در راستای توسعه موضوع و غنا بخشیدن به آن، موضوعات زیر را در کانون توجه قرار دهند:

- ارائه الگویی مناسب برای تبیین عوامل مؤثر بر اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی اشخاص حقیقی.
- تدوین و ارائه بسته‌های آموزشی عوامل مؤثر بر اعتبار اطلاعات ابرازی مؤدیان مالیاتی برای حسابرسان مالیاتی سازمان امور مالیاتی متناسب با سطح سازمانی ایشان.
- بررسی چگونگی بهره‌گیری از کلان داده‌های اقتصادی و یا داده‌های سازمان‌های مختلف در جهت ارزیابی عوامل مؤثر بر اعتبار درآمد مشمول مالیات ابرازی. با توجه به اینکه اجرای هر پژوهش علمی با محدودیت‌هایی مواجه خواهد بود، می‌توان محدودیت‌های احتمالی تحقیق حاضر را به شرح زیر بیان کرد:
- عدم همکاری برخی از اعضای جامعه آماری تعیین شده
- استفاده از ابزار پرسشنامه در بخشی از تحقیق ممکن است برخی محدودیت‌های ذاتی این ابزار را متوجه نتایج این تحقیق نموده باشد که قاعدتاً غیرقابل اجتناب بوده است.

فهرست منابع

Abd Hamid, N., Ibrahim, N. A., Ibrahim, N. A., Ariffin, N., Taharin, R., & Jelani, F. A. (2019). Factors affecting tax compliance among Malaysian SMEs

in e-commerce business. *International Journal of Asian Social Science*, 9(1), 74-85. <https://doi.org/10.18488/journal.1.2019.91.74.85>.

Al-Rahamneh NM, Bidin Z.(2022). The Effect of Tax Fairness, Peer Influence, and Moral Obligation on Sales Tax Evasion among Jordanian SMEs. *Journal of Risk and Financial Management*. 15(9):407. <https://doi.org/10.3390/jrfm15090407>.

Amouri M, Bagheri B.(2009). Identifying and Prioritizing the Financial Ratios Affecting Taxable Income. *Journal of Tax Research*, 17 (4) :73-80, (In Persian).

Asadpour, H., Amirkabiri, A., & Rabiee Mandjin, M. (2022). Designing and Explaining a Model Based on Systemic Policy Making (with Emphasis on Almond Model) in the State Tax Administration. *Journal of Tax Research*, 30(53), 7-44, (In Persian).

Bani-Khalid, T., Alshira'h, A.F. and Alshirah, M.H. (2022). Determinants of Tax Compliance Intention among Jordanian SMEs: A Focus on the Theory of Planned Behavior. *Economies*, 10(2), p.30. <https://doi.org/10.3390/economies10020030>.

Barzegari Dehaj, M., Keyghobadi, A., Yaghoobnezhad, A., & Jahanshad, A. (2021). Providing a Model for Preparing an Estimated Tax Return with the Provisions of Article 97 of the Direct Taxes Act. *Journal of Tax Research*, 29(49), 61-82, (In Persian).

Batrancea, L., Nichita, A., Olsen, J., Kogler, C., Kirchler, E., Hoelzl, E., Weiss, A., Torgler, B., Fooker, J., Fuller, J., Schaffner, M., Banuri, S., Hassanein, M., Alarcón-García, G., Aldemir, C., Apostol, O., Bank Weinberg, D., Batrancea, I., Belianin, A., ... Zukauskas, S. (2019). Trust and power as determinants of tax compliance across 44 nations. *Journal of Economic Psychology*. 74, 102191. <https://doi.org/10.1016/j.joep.2019.102191>.

Bazargan, Abbas (1391). An introduction to qualitative and mixed research methods: common approaches in behavioral sciences. Tehran, *Didar Publications*, (In Persian).

behboudi gol khatmi, A., Taghizadeh, H., & Bafandeh Zandeh, A. (2021). Human Resource Planning Model of Mehr Eghtesad Bank Using System Dynamics. *Public Policy In Administration*, 12(41), 83-96, (In Persian).

Boswell, C. & Cannon. Sh. (2012). Introduction to Nursing Research. Burlington, MA: Jones & Bartlett Publishers.

Coleman, James S. (1994). Foundations of Social Theory. Harvard University Press, 241.

Creswell, J. W. (2003). Research Design: Qualitative, Quantitative and Mixed Method Approaches. Thousand Oaks, CA: Sage.

Da Silva, F. P., Guerreiro, R., & Flores, E. (2019). Voluntary versus enforced tax compliance: the slippery slope framework in the Brazilian context. *International Review of Economics*, 66(2), 147-180. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12232-019-00321-0>.

Dastgir, M., Izadinia, N., Askari, A., & Ramezani, M. M. (2015). Providing a Model for Corporate Risk-based Audit Selection in Iran. *Journal of Tax Research*, 23(25), 10-44, (In Persian).

De Neve, J.E., Imbert, C., Spinnewijn, J., Tsankova, T. and Luts, M. (2021). How to improve tax compliance? Evidence from population-wide experiments in Belgium. *Journal of Political Economy*, 129(5), pp.1425-1463. <https://doi.org/10.1086/713096>

Ebrahimi, M., Vatanparast, M., Rezaei, F., & Mohammadi Nodeh, F. (2021). Investigating the Factors Affecting the Bias of Tax Auditors in Professional Judgments. *Accounting and Auditing Review*, 28(2), 181-205, (In Persian).

Gechert, S., & Heimberger, P. (2022). Do corporate tax cuts boost economic growth? *European Economic Review*. 147, 104157. <https://doi.org/10.1016/j.euroecorev.2022.104157>.

Heidarzadi, H., Khodapanah, M., & Montazer Hojat, A. H. (2022). Investigating the Tax Fraud Determining Factors in the Iran's Economy by Examining Bayesian Econometrics. *Journal of Tax Research*, 30(53), 97-122, (In Persian).

Heyrani, F., Zareian, H., & Moeinadin, M. (2020). Identification of Effective Indicators on Tax Audit Risk by Mixed Explanatory Method. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 9(33), 120-140, (In Persian).

Imani, K. M. H., & Amirmostooofian, T. (2018). Promotion of Tax Culture and its Impact on Expanding the Tax Umbrella and Identification of New Taxpayers. *Journal of Tax Research*, 26 (37) :117-146, (In Persian).

Inasius, F., (2019). Factors influencing SME tax compliance: Evidence from Indonesia. *International Journal of Public Administration*, 42(5), pp.367-379. <https://doi.org/10.1080/01900692.2018.1464578>.

Kenno, B. G. (2020). Factors Affecting Perception of Taxpayers towards the Seriousness of Tax Evasion in Bale Robe Town Administration, Oromia, Ethiopia, *International Journal of Finance and Accounting*, 9 (2), 21-30 .DOI: 10.5923/j.ijfa.20200902.01

Masrullah, M., Asriati, A., & Alfiah S, N. R. (2021). Implementation of self assessment system in paising compliance awareness paying tax in Gowa district. *Amnesty. Jurnal Riset Perpajakan*, 4(1), 23–33. <https://doi.org/10.26618/jrp.v4i1.5304>.

Mehran Mohammadi Azad. (2019). Identification and ranking of factors affecting the implementation of tax policies in Iran. *Specialized scientific quarterly of new research approaches in management and accounting* , 1 (3), 50-62, (In Persian).

Moradi, Mehdi and Bayat, Naimeh (2016). *Advanced auditing*, Marandiz Publications, second edition, p. 606, (In Persian).

Nabavi, C. S. A., & Barzegar, T. N. (2018). The Study and Assessment of Factors Affecting on Tax Lags in the Iranian Tax System (A Case Study of Mazandaran Province’s Tax Directorate General). *Journal of Tax Research*, 26 (39) :46-68, (In Persian).

Noosh Nab, M., Haj Alian, F., & Jahangirfard, M. (2022). Explaining the excellence model of organizational architecture of tax system processeswith the structural equation approach (SEM). *Geography (Regional Planning)*, 12(49), 52-75. doi: 10.22034/jgeog.2023.366847.3907, (In Persian).

Nyarkpoh, M. F. (2018). *Trust in Government and Tax Compliance: An Empirical Evidence from Ghana*. Doctoral dissertation, University Of Ghana. <http://ugspace.ug.edu.gh/handle/123456789/30323>

Perera, D., Chand, P., & Mala, R. (2020). Confirmation bias in accounting judgments: the case for International Financial Reporting Standards for small

and mediumsized enterprises. *Accounting & Finance*, 60(4), 4093-4119. <https://doi.org/10.1111/acfi.12523>.

Pikkarainen, T., Pikkarainen, K., Karjaluoto, H., & Pahnla, S. (2004). Consumer acceptance of online banking: an extension of the technology acceptance model. *Internet research*, 14(3), 224-235.

Pourheidari O, Sarvestani A.(2012). Investigating the Effect of Firm Characteristics, Industry Type and Institutional Ownership on the Difference between Declared and Definite Tax of Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Tax Research*, 20 (14) :61-78, (In Persian).

Pui Yee, C., Moorthy, K. and Choo Keng Soon, W. (2017), "Taxpayers' perceptions on tax evasion behaviour: an empirical study in Malaysia", *International Journal of Law and Management*, Vol. 59 No. 3, pp. 413-429. <https://doi.org/10.1108/IJLMA-02-2016-0022>.

Qaranjik, E., ZiaaDdini, M., & Hadavinejad, M. (2021). Cognitive mapping of Influencing factors on participation in tax payments. *Public Administration Perspaective*, 12(3), 57-76, (In Persian).

Taghizadeh, Houshang, Tari, & Ghaffar. (2008). Prioritizing factors affecting the performance of manufacturing companies using the method of removing and moving options (case study). *Productivity Management* , 6 (2), 35-56, (In Persian).

Tashakkori, A. & Teddlie, C. (2003). *Handbook of Mixed Methods in Social & Behavioral Research*. Thousand Oaks, Calif. London: Sage Publications.

Tilahun, M., (2019). Determinants of tax compliance: a systematic review. *Economics*, 8(1), 1-7. doi:10.11648/j.eco.20190801.11.

Umar, M.A., Derashid, C., Ibrahim, I. and Bidin, Z. (2019). Public governance quality and tax compliance behavior in developing countries: The mediating role of socioeconomic conditions, *International Journal of Social Economics*. 46(3). 338-351. <https://doi.org/10.1108/IJSE-11-2016-0338>.

Wahyudin, D., Tyas, I.R., Atmojo, A., Andrayanti, I. and Julina, F., (2022). The Effectiveness of Tax Audit as a Self Assessment System Supervision Measures and Tax Revenue Support (Study at the Large Tax Office 4). *Ilomata International Journal of Tax and Accounting*. 3(3), 258-271. <https://doi.org/10.52728/ijtc.v3i3.501> .

Identifying the factors affecting the validity of taxable income declared by companies based on the implementation of comprehensive tax plan operations

Nabi Najafi *
Ali Asghar Mottaghi **
Ahmad Mohammadi ***



[10.30495/JOM.2023.1988223.1089](https://doi.org/10.30495/JOM.2023.1988223.1089)

Abstract:

In recent years, the country's tax affairs organization has followed the approach of trusting taxpayers and the principle of correctness of information expressed by taxpayers, and has reviewed and compiled its systems and directives in this regard. Thus, the purpose of this research is to identify the factors affecting the validity of the taxable income declared by companies in the light of the theories of trust and rational action. In order to achieve the goals of the research, by examining the theoretical foundations and background of the research and conducting semi-structured interviews with experts in the years 1400 and 1401, the factors affecting the validity of the taxable income declared by the companies were extracted using the theme analysis method. The main factors affecting the validity of taxable income declared by companies are: financial and accounting factors, auditing factors, environmental factors, technical and systemic factors and company-specific factors, which were identified in the form of 18 sub-themes and 93 concepts, and the tax affairs organization can In order to evaluate the validity of the taxable income of companies, it should consider these factors appropriately. The factors identified in this research can be useful in determining the validity of the declared taxable income and the credit risk of companies, and before the implementation of the tax audit process, it provides a valid basis for the selection of the taxpayer for the tax audit.

Keywords: declared taxable income, trust theory, rational action theory, tax audit, comprehensive tax plan.

* PhD student in accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, najafi548@yahoo.com

** Assistant Professor of Accounting Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, Aliasghar.mottaghi@yahoo.com

*** Assistant Professor of Accounting Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, ahmad.mohammady@iaut.ac.ir